بیگانگان چگونه با پیشینه مستحکم عفاف و اخلاق در میان زنان کشور درافتادند؟

تاریخ حجاب و بی‌حجابی در ایران

سرزمین ما ایران سرآمد زیبایی‌ها و ظرافت‌هاست. مردم ما حاصل فرهنگی عمیق و ریشه‌دار با آمیزه‌ای از دین و تاریخ هستند. تجلیات پوشش و حجاب در میان زنان ایران، چنان چشمگیر بوده که برخی اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی می‌کردند.

■ **پوشش دوره مادها**

طبق پژوهش‌های انجام گرفته، زنـان ایران از زمان مادها حجاب کاملی شـامل پیراهن بلند چین‌دار و شـلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند روی لباس‌ها داشته‌اند. این حجاب در دوران سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده اسـت. در زمان زرتشـت و پیش از آن، زنان ایرانی از حجاب کامل برخوردار بوده‌اند. زنان با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و همپای مردان به کار می‌پرداختند. جایگاه فرهنگی پوشـش در میان زنان نجیب ایران‌زمین، به گونه‌ای بوده که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایارشا به ملکه «وشی» دستور داد بدون پوششی به بزم بیاید تا حاضران زیبایی‌های او را بنگرند، وی امتناع کرد و برای این سرپیچی به حکم دادوران، عنوان ملکه ایران را از دسـت داد. مادها نخستین حکومت فراگیر در فلات ایران بودند. طبق نقوش برجسـته و مجسمه‌های پیش از میلاد، پوشاک زنان آن دوره از لحاظ شکل با کمی تفاوت با پوشاک مردان یکسان بود و مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود داشت، از هم تمییز داده می‌شدند. بررسی محققان از نوع پوشش مردم در دوران ماد نشان می‌دهد مادها به عنوان نخستین قوم آریایی بیشترین تأثیرات را در نحوه پوشـش خود از اقوام بومی فلات ایران پذیرفتند. به نقل از مدیر موزه لباس سنتی استان فارس، با دیدن حجاری‌ها، پیراهن، یک پوشش بلند تا سر زانو بوده که به نوعی مورد مصرف الگوی آن در کل جامعه ایران بوده که دارای ۳ نوع یقه متفاوت مثل یقه گرد، یقه هفتی یا سه‌گوش و یقه چپ و راست بوده است. آستین پیراهن در لباس بلند بوده که با ملایمت از سر شانه به طرف مچ دست تنگ شده و معمولاً روی آن کمی چین‌دار بوده است.

■ **پوشش دوره اشکانی**

زنان دوران اشـکانی نیز لباس‌شـان پیراهن بلند گشاد، پرچین، آسـتین‌دار و یقه‌دار بوده که پیراهن دیگری روی آن می‌پوشیدند. قد پیراهن دوم نسـبت به اولی کوتاه و یقه باز بوده و روی این دو پیراهن چادر به سر می‌کردند.

■ **پوشش دوره هخامنشی**

تصویر برجا مانده روی تخته‌سنگ‌های دوره هخامنشی نیز نشان می‌دهد همانندی بین لباس زنان و مردان پارسـی وجود داشته است. زنان پارسی جز لباس شبیه آنچه ملکه می‌پوشیده، لباس دیگری نیز داشته‌اند. پیراهن آنان پوششی ساده، بلند یا دارای راسته‌چین و آستین کوتاه بوده که دامن از زانو به پایین، شرابه‌هایی از مچ یا آویزان داشته است. علاوه بر اینها زنان پارسی از چادر نیز استفاده می‌کردند. چادر آنها مستطیل شکل بوده و آن را بر روی تن خود می‌انداختند به طوری که تمام لباس‌های زیر را می‌پوشانید.

■ **پوشش دوره ساسانی**

بانوان ساسانی نیز پیراهنی بلند با آستین یا بدون آستین، پرچین و گشاد می‌پوشیده‌اند و آن را با نواری در زیر سینه مانند زنان اشکانی جمع می‌کردند. زنان ساسـانی گاهی چادر گشـاد و پرچین بر سـر می‌کردند که تا ساق پا می‌رسیده است.

■ **پوشش دوره صفویه**

به دلیل توجه صفویان به آداب و رسـوم و مذهب خاص ایرانی و مذهب اثنی‌عشری، در این دوره در رشته‌های گوناگون صنعت و هنر، پیشرفت شایانی شکل گرفت که در این میان پوشاک بانوان با توجه به بافت خاص اجتماعی- مذهبی آن روزگار شکل خاصی به خود گرفت. پیراهن‌ها اغلب رنگارنگ و گلدار و زربفت ابریشمی بود و روی آن قبای جلوباز بلندی تا مچ پا، به‌پا می‌کردند. از جمله پوشاک این دوره، کلاه کوچک، چارقد، شلوار پنبه‌دوزی شده و جوراب ساقه‌کوتاه پارچه‌ای بود که در فصل زمستان مورد استفاده زنان قرار می‌گرفت. زنان دوره صفویه هنگام بیرون رفتن از خانه چادر بزرگ سفید یا بنفش به‌سر می‌کردند که تمام بدن آنان را می‌پوشـاند و فقط جلوی صورت باز می‌ماند که می‌توانستند پیش روی خود را ببینند.

■ **پوشش دوره زندیه**

در دوره زندیه و نادرشـاه افشـار و خاندان او، از تجملات لباس‌ها کاسـته شد و جامه‌ها فرمی ساده‌تر به خود گرفت. دامن پیراهن‌ها یا بلوز و قبا کوتاه‌تر شد. فرم شلوار و جنس و تزئینات آن اهمیت بیشتری پیدا کرد. زنان پیراهن تنگی در بر می‌کردند که پارچه آن اغلب از نخ و ابریشم بود، یقه‌گرد که در وسط آن چاکی به وسیله روبان یا دکمه در زیر گلو بسته می‌شد. در موقع احتیاج روی پیراهن اغلب از کت بلندی که تا نصف بدن را می‌پوشاند، استفاده می‌کردند. زنان در این دوره شلوار گشاد و بلندی که از پارچه‌های راه راه دوخته شده بود، به‌پا می‌کردند و روی آن دامن گشاد و نسبتا بلندی می‌پوشیدند که تا وسط ساق پا می‌رسید. هنگام خروج از منزل چادر سیاه یا بنفش یا نیلی تند به سر می‌کردند و روی خود را با روبنده کاملا می‌پوشاندند.

■ **پوشش زنان عصر قاجار**

پوشش زنان در محیط خانه و بیرون از آن متفاوت بود. نوع پوشش آنان را در درون خانه از لحاظ تاریخی می‌توان به ۳ دوره تقسیم کرد:

۱- ابتدای دوران قاجار تا مسافرت ناصرالدین‌شاه به فرنگ. در این دوره پیراهن کوتاه بدون یقه‌ای استفاده می‌شد که جلوی آن باز و دکمه‌های زرین و مرواریدنشـان زینت‌بخـش آن بود. پارچه‌ها ابریشـمی بود. پیراهن‌ها را شلواری گشاد مانند شلوار مردان تکمیل می‌کرد.

۲- از مسـافرت ناصرالدین‌شـاه تا پایان عصر ناصـری و ابتدای دوره مظفری شروع تأثیرپذیری ناصرالدین شـاه از فرنگ و روسیه بود که توضیح آن خواهد آمد.

۳- از ابتدای دوره مظفری تا پایان دوره قاجار؛ در این دوره کت و دامن و لباس به شیوه فرنگی، بویژه در میان زنان طبقه مرفه افزایش یافت و خانواده‌های وابسته به دربار از این نوع پوشش استفاده می‌کردند و زنان روشنفکری چون قره‌العین نیز بدون حجاب در جمع ظاهر می‌شدند اما در مجموع لباس بیرونی خانم‌ها چادر یک‌شکلی بود که سر تا پای زنان را کاملا می‌پوشاند و معمولا از پارچه‌های ابریشمی، پشمی، تافته و اطلس با رنگ‌های سیاه، آبی پررنگ و آبی نیلی تهیه می‌شد. بنابراین حجاب در همه دوران ایران‌زمین از جمله دوره مادها، هخامنشـیان، اشکانیان، ساسانیان، صفویان، زندیه و قاجاریه نمایان بوده است.

■ **دوره دوم قاجار و پوشش غربی**

مسافرت ناصرالدین‌شاه قاجار به فرنگ و روسیه و دیدن لباس‌های بالرین‌های پترزبورگ که شـلوار بافته چسبان و نازکی به پا می‌کردند و زیرجامه بسـیار کوتاهی به اندازه یک وجب روی آن می‌پوشـیدند، شاه را بر آن داشت که زن‌های حرمسرای خود را که لباس‌شان شامل پیراهن، ارخالق، کلیجه، شلیته، شلوار، جوراب، چارقد و کلاغی بود، به این لباس درآورد و این امر موجب شد غرب سالیان سال کشور ایران را مورد تعرض و تهاجمات مختلف برای القای فرهنگ خود قرار دهد و بدین نحو شدیدترین فشارها را بر فرهنگ بومی و سنتی جامعه ایران آورد. بنابراین دوره قاجاریه به عنوان نخستین دوره رویارویی و سپس نزدیکی به غرب، از اهمیت برخوردار شـد. ایرانیان نخستین تجربیات تلخ شکست از غرب را در جنگ‌های ایران و روسیه آزمودند، از طرفی اعزام محصلان ایرانی به خارج از کشـور به منظور کسب علوم و فنون جدید ایرانیان را با سبک زندگی غرب آشنا کرد. همین رفت‌وآمدها به دربار و ارتباط خارجی‌ها با ایرانیان، در نوع پوشش مردان نیز تأثیرگذار بود و کم‌کم استفاده از پیراهن و کفش چرمی معمول شد. تغییر لباس زنان اندرون نیز که پس از سـفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا آغاز شده بود، بتدریج از حرمسـرای شـاهی به خانه اعیان و سایر اقشار جامعه سـرایت کرد اما پوشـش زنان در بیرون از خانه تا دوره مشروطیت و مدتی پس از آن به همان شکل سنتی بود. تحولات سیاسی ایران پس از انقلاب مشروطه در جامعه زنان بی‌تأثیر نبود، بویژه آنکه احزاب سیاسی و گروه‌های متعدد مسأله تعلیم و تربیت زنان و اصلاح وضعیت آنان را در رأس برنامه‌های خود قرار داده بودند. اینان خواستار حضور زن در عرصه اجتماعی بودند و از وضع حجاب سخن به میان می‌آوردند. ورود اجناس و البسه گوناگون اروپایی و حضور خیاطان و طراحان فرانسوی و تقلید از آنها کم‌کم باعث تغییراتی مهم در وضع لباس ایرانیان و بویژه زنان ایرانی شد. از طول و عرض چادر کاسته شد، چاقچور و روبنده در میان جوانان از بین رفت، شلوارکشی به جوراب‌های ساقه بلند ماشینی تبدیل شـد، پیراهن و شلوار و چادر کمری جای خود را به پیراهن‌های بلند یک تکه که بلندی آن برحسب مد روز تغییر می‌کرد، داد و شکل حجاب زنان کاملا تغییر کرد و این آغاز بی‌حجابی زنان در ایران معرفی شد.

■ **دوره پهلوی و کشف حجاب و نقش رضاشاه**

پوشـش در دوره پهلوی اول ادامه روند دوره قبل یعنی قاجار بود. ورود البسه اروپایی به کشور ایران، باعث تغییرات مهم در وضع لباس ایرانیان و بویژه زنان ایرانی شد. تغییر و تحولات لباس زنان از اندرونی و زنان درباری شـروع شـد و به طبقات و اقشـار دیگر جامعه سرایت کرد. این تقلید بنا به موقعیت اجتماعی افراد و به تناسب توانایی آنها در انتخاب نوع و جنس پارچه و تزیین آن تفکیک می‌شـد. در زمان رضاشاه بیشتر زنان اعیان و اشراف، لباس‌های اروپایی به تن می‌کردند اما هنگام خروج از منزل روی آن چادر می‌پوشیدند. روند بی‌حجابی و تغییر لباس در دوره رضاخان با پیگیری زیاد و نقشه‌های حساب‌شده به جلو رفت و استعمارگران پله پله به مقاصدشان می‌رسیدند. با تبلیغات وسیع و همه‌جانبه و با انواع و اقسام دسیسه‌ها زن را از پشت پرده حجاب به محیط اجتماع، سینماها، تئاتر، پارک‌ها، مجالس جشن، انجمن‌های دفاع از زنان و... کشـاندند. رضاخان که متعهد به اجرای سیاست‌های اسـتعماری بود، در مدتی کوتاه پس از تاجگذاری شروع به حمایت و گسترش کانون‌ها و انجمن‌های بانوان کرد. کانونی به نام کانون بانوان تأسیس کرد و ریاست این کانون به عهده صدیقه دولت‌آبادی که یکی از غرب‌دوستان مشهور بود، قرار داده شد. دولت‌آبادی از جمله زنانی بود که چند سـال پیش از کشف حجاب رسمی، بی‌حجاب از خانه خارج شد. در وصیتنامه دولت آبادی آمده: «در مراسم تشییع جنازه‌ام حتی یک زن باحجاب شرکت نکند. زنانی را که با چادر بر سر مزار من بیایند هرگز نمی‌بخشم». عبدالحسین تیمورتاش، وزیر مقتدر رضاشاه نیز که در تحکیم پایه‌های حکومت نقش بسزایی داشت و مردی فاسدالعقیده و فاسدالاخلاق بود، در طعن به اعتقادات دینی از کسی واهمه نداشت و در زمینه‌سازی کشف حجاب در ایران از پیشگامان به حساب می‌آمد. او تحصیلکرده سن‌پترزبورگ و مسکو بوده و فردی عیاش و بی‌دین و قدرت‌طلب و بشـدت غربگرا بود. تیمورتاش با پیوند زدن روشنفکری دنیای غرب با تجددگرایی داخلی سـعی در آشـنایی زنـان ایرانی با غربگرایان دیگر کشورها داشت. از جمله این موارد، برگزاری کنگره زنان شرق بود که چند نفر از زنان عرب بی‌حجاب در آن کنفرانس حضور داشتند؛ افرادی نظیر تیمورتاش، فروغـی و علی‌اصغر حکمت نه‌تنها زنان و دختران خود را بدون حجاب در مجامع ظاهر می‌کردند، بلکه بشدت به دنبال اجرای پروژه کشف حجاب در کشور بودند. رضاخان به کمک جریان وابسته روشنفکری، تمام تلاش خود را در تغییر لباس ملی به کار گرفت. سـفر رضاخان به ترکیه که در آن هنگام به وسیله آتاتورک عرصه تاخت و تاز فرهنگ غرب قرار گرفته بود و فرهنگ اسلامی با زور از صحنه زندگی مردم خارج می‌شد، یکی از توطئه‌های روشنفکران وابسته بود تا رضاخان، تحت تأثیـر قرار گیرد و در تغییر ماهیت ملی و اسـلامی مردم ایران تلاش بیشتری کند. نقل شده محمدعلی فروغی مدتی سفیر کبیر ایران در ترکیه بود. در آن مـدت بین او و کمـال آتاتورک، رئیس‌جمهور و عصمت اینونو نخست‌وزیر و سـایر مقامات ترکیه روابط بسیار حسنه‌ای ایجاد شده بـود به طوری که در تمام مدت او مورد مشـورت مقامات ترکیه قرار می‌گرفت. مراد از این نزدیکی این بود که شاه از نزدیک با مظاهر تمدن اروپا که به وضع شـایانی در ترکیه رواج یافته بود، آشـنا شـود و بعد به‌عنوان سـوغات، قسـمتی از آن تمدن را در ایران پیاده کند. لذا بعد از سفر رضاخان به ترکیه و بازگشت از آنجا سوغاتی را با خود به ایران آورد از جمله تغییر کلاه، کشف حجاب و... بنابر اعتراف محمدرضاشاه، ایران پس از ترکیه دومین کشور مسلمانی بود که رسما حجاب را ممنوع کرد. کشف حجاب در ایران مربوط به دوران رضاشاه پهلوی است. ۱۷ دی ۱۳۱۴ رضاشاه قانونی را تصویب کرد که بنا بر آن زنان و دختران ایرانی از استفاده چادر و روبنده و روسری منع شدند. این اقدام رضاخان پس از تنها سفر خارجی‌اش به ترکیه و تحت تأثیر اقدامات غربگرایانه آتاتورک انجام گرفت. پس از سفر وی به ترکیه، در ایران شایعاتی درباره ممنوعیت حجاب در مدرسه‌های دخترانه پخش شد ولی در این زمان قانونی تصویب نشد. رضاشاه قانون کشف حجاب را یکباره صادر نکرد. نخستین شـایعات پیرامون قانون جدید هنگامی شد که امان‌الله‌خان و ملکه ثریا، شـاه و ملکه افغانستان سال ۱۳۰۸ به ایران آمدند. ملکه افغانستان بی‌حجاب بود و جنجالی در میان روحانیان برانگیخت. آنان از رضاشاه خواستند ملکه افغانستان را در ایران مجبور به داشتن حجاب کند ولی رضاشاه نپذیرفت. در همین زمان شایعاتی درباره تصویب قانون منع حجاب پخش شد. رضاشاه که تحت تأثیر بی‌حجابی زنان ترکیه قرار گرفته بود، این مسأله را پس از گذشت یک سال از سفر به ترکیه در آذر ماه ۱۳۱۴ به محمود جم، رئیس‌الوزرا چنین بازگو کرد: «نزدیک ۲ سال است این موضوع سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است. بویژه از وقتی که به ترکیه رفتم و زن‌های آنها را دیدم که پیچه و حجاب را دور انداخته‌اند و دوش به دوش مردهای‌شان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند. دیگر از هرچه زن چادری اسـت، بدم آمده است. اصلا چادر و چاقچور، دشمن ترقی و پیشرفت مردم است. درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن نیشتر زد و از بینش برد». بخشنامه کشف حجاب برای تصویب رضاشاه در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۱۴ از طرف رئیس‌الوزرا به دربار فرسـتاده شد تا در اول دی دستورالعمل اجرای غیررسمی قانون کشف حجاب به تمام ولایات ایران ارسال شود. پیش از تصویب کشـف حجاب از اواسط دهه ۱۳۰۰ انتقاد به حجاب در تهران آسـان شده بود. گروه‌های فعال جنبش زنان ایران از حجاب انتقاد می‌کردند. برای مثال، نشریه «عالم نسوان» در سال ۱۳۱۰ بحثی دربـاره حجاب باز کرد و فراخوانی بر این بحث چاپ کرد. پاسـخ‌های موافق و مخالف داده می‌شـد. برخـی زنان از بی‌حجابی دفاع کردند و انحطاط اخلاقی جامعه را از سرکوب زنان توسط مردان می‌دانستند. در دوره پهلوی بتدریج لباس‌های اروپایی زنان با کنسرت‌های بی‌حجاب قمرالملوک وزیری در باشگاه ایران به بنیانگذاری تیمورتاش، وزیر دربار و با نفوذ و نوگرایی رضاشـاه به میان مردم آمد. بالاخره رضاخان ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴ به صورت رسمی کشف حجاب را به ترتیب زیر اجرا کرد.

۱- با روی کار آمدن رضاشاه کسانی که ترک سنت و اخذ فرهنگ غربی را مهم‌ترین عامل پیشرفت می‌دانستند، در پست‌های کلیدی کشور قرار گرفتند و مسؤولیت‌های حساس بر عهده آنها گذاشته شد. با اجرای این قانون بتدریج از تعداد افرادی که مجاز به اسـتفاده از لباس روحانیان بودند، کاسته شد.

۲- سـفر رضاشـاه به ترکیه در سـال ۱۳۱۳ اثر عمیقی بر نگرش او نسبت به میزان استفاده از پوشاک غربی و دیگر الگوهای غربی گذاشت. رضاشاه در فاصله سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۴ به منظور آماده کردن افکار عمومی برای کشف حجاب اقدامات وسیع تبلیغاتی صورت داد و به مرور زمان حجاب را در مدارس و جشن‌های فرهنگیان ممنوع کرد.

۳- ۱۷ دی مـاه ۱۳۱۴ در عمارت دانشـسرای عالی تهران با حضور شاه و خانواده‌اش جشنی برپا شد تا دیپلم فارغ‌التحصیلان به آنها اعطا شود. در این مراسم رؤسای مدارس و همسران صاحب‌منصبان عالیرتبه و همسـر و دختران شاه بدون حجاب ظاهر شدند و عملا دستور رفع حجاب را صادر کردند و این روز به نام روز «آزادی زن و کشف حجاب» نامگذاری شد.

۴- رضاشاه با یک اقدام خشن از سوی نیروهای نظامی خود در سراسر کشـور، حجاب زنان را که شامل چادر و چاقچور و روبنده می‌شد، به زور از سـر آنان برداشـت. خانم «کلارا کولیور رایس» که همسر یکی از مأموران هیأت مذهبی- تبلیغی مسیحی انگلیسی بود، در مدتی که در ایران سکونت داشـت، در یادداشت‌های خود نوشته است: «زمانی که دولت ایران مدرسه معمولی را در تهران گشود و از مبلغان مذهبی آمریکایی بسـیاری دعوت به همـکاری کرد به احتمـال رهایی زن و برداشـته شـدن طوق رقیت از گردن او ... بلکه نیل به این هدف از طریق درک و دریافت نیازها از سوی خودشان و مردان امکان‌پذیر است. مدارس غربی راه را گشودند و آموزش‌وپرورش ایران در سال‌های آینده زیر نفوذ اندیشـه‌ها و شیوه‌های غربی خواهد بود». از فرقه‌هایی که در کشف حجاب نقش مؤثری را ایفا کرد، فرقه بابیه در عهد ناصرالدین‌شاه بود که ریشه‌های آن از افکار انحرافی استعماری سرچشمه می‌گرفت. در حقیقت طرح مسأله کشف حجاب از سوی این فرقه در میان زنان به اجرا گذاشته شد که با مقاومت امیرکبیر مواجه شد. هدف اصلی و نهایی بهائیت در یک جمله خلاصه شد: «تا امروز تبعیت از احکام دین اسلام بر شما واجب بود ولی از هنگام ظهور باب دیگر بر هیچ مسلمانی جایز نیست که از دستورات دین اسلام پیروی کند. با لذت کامل زندگی کنید و آزاد از همه چیز باشید». نخستین سناریوی بی‌حجابی در این برهه از زمان در سـال ۱۲۲۷ توسـط زنی به نـام «زرین تاج» که به «قره‌العین» معروف شد و از پیروان بهائیت بود، آغاز شد. وی نه‌تنها به کشف حجاب تشویق می‌کرد، بلکه اعلام کرد در روابط بین زن و مرد رادع و مانع و حد و تکلیفی وجود ندارد. از سخنان او است که می‌گوید: «از حال تنهایی به جان اجتماع بیرون بیایید و این حجابی را که میان شـما و زنان مانع از استفاده و استمتاع اسـت، پاره کنید... زنان خود را از دوستان‌تان دریغ نداریـد...» مرحوم میرزا تقی لسان‌الملک سپهر در ناسخ التواریخ می‌نویسد: «قره‌العین حجاب زنان را از مردان موجب عقاب شـمرده و یک زن را به نکاح با ۹ مرد فرض استحباب کرد». با اجرای قانون کشف حجاب بخشی از زنان که مسن‌تر و سنتی بودند، عملا در خانه محبوس شـدند. وزارت فرهنگ حکم کرد از ورود زنان باحجاب به دانشگاه جلوگیری شود و معلمان زن مدرسه‌ها و استادان زن دانشگاه‌ها مجبور شدند بی‌حجاب به کلاس درس بروند. در تهران و سایر شهرها مأموران شهربانی به دختران دانش‌آموز و زنانی که حجاب داشتند، لزوم اجرای قانون را گوشزد می‌کردند. هرچند پیش از تصویب اقداماتی صورت گرفته بود؛ از جمله به منظور زمینه‌سازی برای تصویب قانون کشـف حجاب در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴ رضاشاه جمعیت زنان آزادیخواه ایران را تحت ریاسـت شـمس پهلوی به عنوان گام تازه‌ای برای پیشبرد روند بی‌حجابی در کشور تأسیس کرده بود و در مرحله بعد وزارت داخله برای ایجاد هماهنگی بیشتر میان لباس متحدالشکل مردان و کشـف حجاب زنان مقررات جدیدی درباره نوع پوشش وضع کرده بود، و به وزرا و نمایندگان مجلس اعلام کرده بود حذف حجاب زنان را آغاز کنند. لذا پیش از تصویب قانون کشـف حجاب رضاخان در قدم اول بی‌حجابی را از زنان وزرا، معاونان، وکلا و مسـؤولان کشور آغاز کرده بود.

■ **واکنش علما و مراجع نسبت به کشف حجاب**

پیش از اجرای قانون کشف حجاب، مراجع و علمای سرشناس وقت اعتراضات زیادی کردند که منجر به تبعید آنان شـد؛ از جمله آیت‌الله قمی، آیت‌الله العظمی شـیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله سـیدیونس اردبیلی، آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری، آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله میرزا احمد آقازاده.

■ **نقش مطبوعات در کشف حجاب**

نقش مطبوعات نیز در جریان روند بی‌حجابی برجسته و مشخص بود. افکار و اندیشـه‌های مسـموم و اسـتعماری را بـا سیاسـت و موذیانـه بـه خورد ملـت ایران می‌دادند. کشـف حجاب در سـال‌های باقیمانده حکومـت رضاخان اجباری بود و حجاب اسـلامی مظهر عقب‌ماندگی شـمرده می‌شـد. در خاطرات صدرالاشراف در رابطه با کشف حجاب آمده است: «در اتوبـوس زن باحجـاب را راه نمی‌دادنـد و در معابر پاسـبان‌ها از اهانت و کتک زدن به زن‌هایی که چادر داشـتند با نهایـت بی‌پروایی و بی‌رحمی فروگذار نمی‌کردند. حتی بعضی از مأموران، بویژه در شهرها و دهات زن‌هایی که پارچه روی سر انداخته بودند، اگرچه چادر معمولی نبود، از سر آنها کشیده، پاره‌پاره می‌کردند و اگر زن فرار می‌کرد او را تا توی خانه‌ها تعقیب می‌کردند و به این هم اکتفا نکرده، اتاق زن‌ها و صندوق لبـاس آنها را تفتیش کرده، اگر چـادر از هر قبیل می‌دیدند، پاره پاره می‌کردند یا به غنیمت می‌بردند».

■ **واکنش مردم نسبت به کشف حجاب**

قابل توجه اینکه پس از رسمی شدن کشف حجاب در ایران و ابلاغ دستور اجرای آن در مناطق مختلف کشور، طبقات مختلف مردم ایران به طرق مختلف به مقابله با این دستور پرداخته و برای برخورداری از امکان اسـتفاده آزاد از پوشـش و حجاب تمام کوشش خود را به کار بسـتند. زنان برای حضور در جامعه و امکان انجـام امور روزمره خود با روش‌های مختلف به مقابله با این دسـتور پرداختند که به صورت فهرستوار به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- استفاده از پوشش‌های دیگر به جای چادرهای رایج که دستور منع استفاده از آن صادر شده بود. هنگام خروج از خانه از چارقد، چادر نماز، چادر شـب، چاقچور و سربند استفاده می‌کردند و برخی با استفاده از چادر کمری سعی در حفظ پوشش خود داشتند. عده‌ای روپوش‌های بلند، روسری یا مقنعه را جایگزین چادر کردند. عده‌ای نیز کلاهگیس بر سر کرده و با پوشش کامل از خانه خارج می‌شدند.

۲- تغییر سـاعت تردد برای استفاده از تسهیلات عمومی؛ مثلا فقط شـب‌هنگام از منزل خارج می‌شـدند یا صبح زود به حمام می‌رفتند و مـردان آنهـا را در فواصل مختلف مراقبت می‌کردند تا مورد تعرض مأموران قرار نگیرند.

۳- بـا تمام تدابیر اتخاذ شـده در برابر مردم بسـیاری از موارد زنان باحجـاب ضمن تردد در کوچه و خیابان با مأموران سـختگیر مواجه می‌شـدند و گاه با دادن رشوه به آنان حجاب خود را حفظ می‌کردند. گاهی هم زنان با مأموران درگیر می‌شدند و گاهی نیز بلافاصله پس از مشاهده آنان روسری خود را مخفی کرده و دوباره بر سر می‌گذاشتند.

۴- نسبت به بی‌حجاب‌ها واکنش منفی نشـان می‌دادند که این امر هم باعث می‌شد بسیاری از زنان در عدم استفاده از پوشش مورد قبول جامعه، دچار تردید شوند.

۵- حرکت‌های گروهی و فردی برخی افراد در سـطح جامعه نیز به مانعی دیگر برای پیشـبرد برنامه‌های دولت برای مدرن‌سازی کشور و شبیه‌سازی آن به کشورهای غربی تبدیل شده بود؛ مانند بستن بازار و شرکت در اجتماعات، ترک جشن‌ها، نصب و پخش اعلامیه، پناه دادن به فراریان در خانه و مغازه، بهانه کردن سـردی هوا و استفاده از چادر، سرزنش خیاطان و... .

۶- شـایعه‌پراکنی درباره لغو دسـتور کشـف حجاب، یکـی دیگر از روش‌های مبارزه مردمی در مقابله با کشف حجاب بود.

۷- با عریضه‌نویسی به مجلس و نخست‌وزیر به صراحت اعتراض خود را به دستور کشف حجاب اعلام می‌کردند.

۸- مهاجرت به سایر کشورها، بویژه گذشتن از مرز خرمشهر و رفتن به عراق.

۹- برخی از خانم‌ها از ترس تعرض مأموران به آنها خانه‌نشین شدند. برای درمان بیماری، پزشـک به منزل می‌آوردند یا برای استحمام در خانه‌های خود آبگرم می‌کردند که مجبور به خروج از منزل نشوند.

۱۰- برخورد علما با کشف حجاب که خود نماد همراهی با مردم به شمار می‌رفت؛ اقداماتی از قبیل نامه‌نگاری به مقامات، حضور در جشن‌ها به همراه همسران با حجاب‌شان، تبلیغ درباره عدم قبولی نماز و روزه زنان بی‌حجاب، حتی اخطار به ملکه به دلیل حضور با پوشش نامناسب در حرم حضرت معصومه.

۱۱- علاوه بر مردم و علما کارکنان دولت و مسـؤولان تراز اول کشور نیز در ابتدا با موضوع کشـف حجاب به مخالفت برخاستند و اقدامات چشـمگیری انجام دادند؛ از قبیل: عدم شـرکت در جلسات جشن یا شرکت در جلسات جشن بدون همسران، حفظ پوششی و عکس‌العمل منفی، بهانه‌تراشـی برای عدم شرکت در مراسم مختلف مثل مریض بودن، مسافرت بودن، باردار بودن، عدم اجرای دستور حکومتی توسط مأموران و... .

■ **پوشش و حجاب در دوره پهلوی دوم**

در دوره رضاشـاه حکومت درباره نوع پوشـش زنان اعمال قدرت می‌کرد که مهم‌تریـن ویژگی این اعمال قدرت کشـف حجاب بود. در دوره حکومـت پهلوی دوم نیز این موضوع پیگیری شـد تا جایی کـه می‌توان نام کشـف حجـاب دوم را بر آن نهاد. سیاسـت حذف چادر در دوره محمدرضا شـاه به سیاستی فرهنگی تبدیل شد که نه فقط پوشش زن که جسـم او را نیز نشانه می‌گرفت. سیاست‌گذاری فرهنگی در دوره پهلوی دوم وارد فاز جدیدی شـد. محمدرضاشـاه سـال ۱۳۲۰ در حالی به سلطنت رسـید که ایران در شرایط ویژه‌ای قرار داشت. نیروهای اجتماعی ایران که تا آن زمان در منگنه و فشار بودند، آزاد شـدند. اذهان عمومی به دنبال آزادی در پوشش بود. پس از برکناری رضاشاه نامه‌نگاری به شاه جدید درباره کشف حجاب آغاز شـد. حکومت ناچار شد تغییر سیاست بدهد. ۱۰ دی ۱۳۲۲ اولویت سیاست ممنوعیت حجاب حذف شـد. پس از آزادی مجدد حجاب بعد از شـهریور ۱۳۲۰ عده‌ای از زنان مجـدداً به چادر روی آوردند تا جایـی که مورد اعتراض زنان فعال، از جمله اعضای کانون بانوان قرار گرفـت. دهه ۱۳۵۰-۱۳۴۰ به اصلاحـات محمدرضا اختصاص دارد. سیاسـت‌های فرهنگی- اجتماعی تحت ریاست فرح پهلوی به اجرا درآمد. فرح سـال ۱۳۳۸ دفتر مخصوص «بنیاد فرح» را تأسیس کرد و تلاش کرد نمای متفاوتی از ترکیب فرهنگ، سنت و مدرنیسم ارائه دهد. بسیج همگانی برای مشارکت زنان را آغاز کرد و حضور زنان در رده‌های شغلی مختلف نمایان شد. در این دوره پوشش زن در برنامه‌ای نسبتاً صامت پیگیری شد. ارائه تصویر زن مدرن در مجلات، رسانه‌های صوتی و بویژه تصویری، جشن‌ها و مراسم‌های فرهنگی شکل جدیدی به خود می‌گیرد. امر جنسی، بدن و زن محوریت می‌یابد. دیگر بحث بر سر برداشتن پوشیه و نقاب نیست، بلکه تصاویر و کلمات یکی پس از دیگری بخش‌هایی از پوشش زن را حذف می‌کنند. کارگزاران دولتی از برنامه‌های تلویزیون، سینما و برگزاری جشن‌ها و اقدامات فرهنگی در جهت بازنمایی تصویر زن مدرن ایران بهره می‌گرفتند. جشن‌های هنر شـیراز توسـط فرح پهلوی در سـال ۱۳۴۶ از دیگر برنامه‌های فرهنگی حکومت پهلوی دوم بود که بخش‌هایی از آن به موسـیقی و تئاتـر اختصاص یافت. همزمان با ماه مبـارک رمضان در دوره‌های دهم و یازدهم، جشن‌های هنر شیراز در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ در مسیر سیاست‌های پوشش آشکار شد. از جمله برهنه شدن بازیگر تئاتر ملوس‌ها و نسناس‌ها در جشن هنر هفتم، عریان شدن بازیگری به نام آشوربانیپال بابلا پشت ویترین یک مغازه، عریان شدن بازیگران زن و مد در نمایش و روی صحنه رفتن زنی کاملا عریان در نمایش کشتی جنون از برنامه‌های فرهنگی بود.

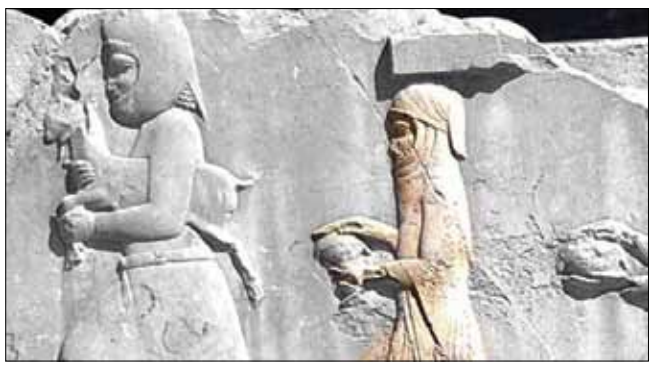

«پارسونز» سـفیر انگلیس در ایران در خاطراتش راجع به جشن هنر شـیراز می‌گوید: «جشن هنر شیراز در سال ۱۹۷۷ از نظر کثرت صحنه‌های اهانت‌آمیز بـه ارزش‌های اخلاقی ایرانیان از جشـن‌های پیشین فراتر رفته بود... صحنه نمایش، نیمی در داخل مغازه و نیمی در پیاده رو مقابل آن بود. یکی از صحنه‌ها که در پیاده رو اجرا می‌شد، تجاوز به عنف بود که به طور کامل، نه به طور نمایشی و وانمودسازی... در مقابل چشم همه صورت گرفت... شاه مدتی خندید و چیزی نگفت. حـذف چادر با سیاسـت فرهنگی مورد نظر فـرح پهلوی و حکومت محمدرضا شـاه پیش نرفت و در نهایت ۱۰ آذر ۵۵ شورای هماهنگی امور اجتماعی نخسـت‌وزیر طرحی برای حذف چادر از پوشـش زنان داشت که آشفتگی کشور و وضعیت سیاسی سال‌های ۵۵ تا ۵۷ مانع اجرای این طرح شد.

منبع: تاریخ انقلاب اسلامی، موسسه فرهنگی- هنری قدر ولایت